

واکاوی و بررسی منهج اعتبارسنجی اخبار توسط محقق همدانی در کتاب «مصباح الفقیه»

علی مرادی^۱

چکیده

یکی از جریان‌های مهم و تأثیرگذار در عرصه اعتبارسنجی اخبار، جریان وثاقت صدور است. آقارضا همدانی، از شخصیت‌هایی است که سیره عملی ایشان در اعتبارسنجی اخبار مبتنی بر این جریان است. هدف این پژوهش، بررسی منهج ایشان در اعتبارسنجی اخبار است. شیوه اتخاذ شده در این پژوهش، تحلیل محتوای کتاب مصباح الفقیه است که به همین منظور پس از بررسی ابواب مختلف این کتاب و تحلیل عبارات موجود، منهج اعتبارسنجی ایشان در اخبار که متأثر از منهج محقق حلی و بر پایه عدم اعتنا به ائصاف خبر به صحت مصطلحه و در مقابل اکتفا به ائصاف خبر به صحت در لسان مشایخ متقدم استوار شده است، کشف و نمونه‌آوری شده است. ترک بررسی احوال راویان خبر و همچنین قبول تأثیر عمل اصحاب و موافقت مشهور در جبران ضعف سند از دیگر معتقدات ایشان است.

کلیدواژه‌ها: آقارضا همدانی، مبانی رجالی، اعتبارسنجی حدیث، وثاقت صدور، وثاقت سندی، مصباح الفقیه.

۱. مقدمه

پس از زمانه صدور سخن و رفتار معصومان علیهم‌السلام، حدیث، انتقال رفتار و بازگویی سنت ایشان را به عهده داشته است (رحمان ستایش، ۱۳۹۶: مقدمه). نیز همان‌طور که در قرآن کریم آمده، یکی از وظایف اصلی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تبیین و توضیح مفاهیم والای آیات الهی است: ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾؛ ما هر رسولی را

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (alimoradiiiiiiii@gmail.com)

با معجزات و کتب و آیات وحی فرستادیم و بر تو این ذکر (یعنی قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که به آنان فرستاده شده بیان کنی و برای آن که عقل و فکرت کار بندند» (نحل: ۴۴). بنابراین و بدون شک، عدم بهره‌گیری از این منبع بسیار مهم و تأثیرگذار یعنی حدیث معصومان علیهم‌السلام، منجر به عدم فهم صحیح و دقیق مفاهیم اسلامی می‌شود؛ لذا با عنایت به اهمیت ویژه جایگاه حدیث در میان منابع فهم دین و نیز میزان اثرگذاری آن در فهم صحیح و کامل مفاهیم اسلامی، از دوران صدر اسلام ضرورت قاعده‌مندتر شدن ارکان مختلف مرتبط با حدیث احساس شد. این موضوع به تدریج باعث دسته‌بندی شدن مسائل مختلف مربوط به حدیث ذیل عنوانی به نام «علوم الحدیث» شد که موضوعات متنوع و مختلفی از علوم مرتبط با حدیث را در بر گرفته و می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های علوم الحدیث، علم شناخت رجال (یا همان راویان) حدیث است که گاهی از آن به «علم معرفة الرجال» نیز یاد می‌شود. علم رجال به بررسی راویان احادیث می‌پردازد، پردازشی از نظر ذات و وصف و همچنین مدح و قدح ایشان (کنی، ۱۳۷۹ ش، ۲۹) که نهایتاً منجر به شناخت رجالی از راویان حدیث می‌شود و می‌تواند اعلام کند که آیا اخباری که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از ایشان رسیده است قابل پذیرش است یا خیر. در این جا شایان ذکر است که گفته شود: «برای علم رجال، فواید بسیار مهمی بیان شده است که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در طریق استنباط احکام شرعی مشاهده کرد؛ چرا که اگر کسی دارای این علم نباشد نمی‌تواند احکام شرعی را استنباط کند» (غلامعلی، ۱۳۹۸: ۱۹). به تعبیری دیگر نیز می‌توان گفت: اهداف نزدیک، متوسط و نهایی علم رجال، عبارت است از: راوی‌شناسی، سندشناسی و دستیابی به حقیقت حدیث.

با بررسی جریان‌های مختلف اعتبارسنجی در می‌یابیم که دو جریان به صورت ویژه مورد عنایت عالمان و محققان بوده و هست: اعتبارسنجی قرینه‌محور و اعتبارسنجی سندمحور که به ترتیب به آنها وثاقت صدوری و وثاقت سندی نیز گفته می‌شود و هر یک از این جریان‌ها، دارای خاستگاهی ویژه و مورد اتخاذ گروهی از عالمان و فقیهان است.

در جریان وثاقت صدوری، اعتقاد بر این است که معیار عمل به حدیث، حصول اطمینان از صدور آن توسط معصومان علیهم‌السلام است که این اطمینان از دو طریق حاصل می‌شود: یکی از طریق

سند حدیث، یعنی سند آن باید موثق باشد و دوم از طریق قرائن و نشانه‌ها. این قرائن و نشانه‌ها شاخه‌ای از قاعده مشهور «انجبار»^۱ است که مضمون آن، اشاره به این دارد که: عمل و رویکرد اصحاب، ضعف سند را جبران می‌کند و در مقابل نیز اعراض و رویگردانی ایشان باعث وهن آن می‌شود. به تعبیری دیگر، پویندگان این جریان به این قائل هستند که: نمی‌توان صرفاً با وجود یک راوی ضعیف در میان سلسله راویان روایت، روایت را ضعیف شمرد؛ زیرا ممکن است معتبر بودن خبر از طریق دیگری اثبات شود. ایشان معتقدند قرائن اثبات‌کننده اعتبار می‌تواند در جایی خارج از سند حدیث باشد، قرائنی مانند: عرضه کتاب بر امام علیه السلام توسط یک راوی و گواهی تأیید آن از سوی معصوم علیه السلام؛ وجود روایت در جوامع ثلاثه؛ یادآوری روایت در چند اصل؛ ذکر روایت با چند سند در یک کتاب؛ عمل پیشینیان از اصحاب؛ نقل روایت از سوی مشایخ ثلاثه؛ نقل روایت از سوی اصحاب اجماع؛ و

اما در جریان وثاقت سندی، اعتقاد بر این است که معیار عمل به حدیث، صحت سند آن است و حتی وجود یک راوی ضعیف، سبب بی‌اعتباری حدیث می‌شود و هیچ‌گونه قرینه دیگری نمی‌تواند برای اعتبار حدیث به کمک بیاید. البته تمامی پویندگان این مسلک بر یک روش حرکت نکرده‌اند، مثلاً برخی از ایشان ضمن میل به مسلک وثاقت سندی، به راه‌ها و روش‌های دیگری برای اثبات صحت سند اعتقاد دارند و به آن‌ها اهمیت می‌دهند. یکی از افراد شاخص در میان پویندگان مسلک و جریان وثاقت صدوری، آقارضا همدانی (مشهور به محقق همدانی) است. وی داری تألیفات متعددی از جمله: الفوائد الرضویة علی الفوائد المرتضویة، ذخیره الأحکام فی مسائل الحلال و الحرام و... است؛ لکن آنچه از تألیفات ایشان که در این نوشتار بر روی آن تأکید گردیده و از آن بهره‌برداری شده، کتاب مصباح الفقیه است که به تعبیری می‌توان گفت: یکی از مهم‌ترین شروح کتاب شرائع الإسلام محقق حلّی (م ۶۷۶ ق) در عصر حاضر و خلاصه‌ای از افکار و نظریات فقهی محقق همدانی است که تألیف آن نیز چیزی در حدود سی سال (۱۲۹۱-۱۳۲۲ ق) از عمر ایشان را به خود اختصاص داده است.

۲. اعتناء الأصحاب بها و عدم إعراضهم عنها.

۱-۱. ضرورت پژوهش

شهرت کتاب مصباح الفقیه و همچنین میزان اثرگذاری شخصیت مؤلف آن یعنی آقارضا همدانی^۱، در استمرار جریانات بعدی علم رجال موجب شده است آرای ایشان در مباحث مختلفی مورد مباحثه و مراجعه باشد؛ لذا بررسی عبارات رجالی کتاب مصباح الفقیه با هدف فهم شیوه اعتبارسنجی اخبار توسط ایشان ضرورت می‌یابد. در همین راستا پژوهش حاضر صورت پذیرفت و به این سؤالات پاسخ داده است: در منظومه فکری آقارضا همدانی، بررسی‌ها و تحقیقاتی که برای شناخت یک راوی صورت می‌گیرد، چه نوعی از بررسی و اعتبارسنجی هستند؟ بر چه مبنایی از مبانی استوارند؟ و نهایتاً کدام یک از مؤلفه‌های مؤثر در اعتبارسنجی معتبر هستند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت فهم مبانی فقها و تأثیر مستقیم آن در شناخت شخصیت‌های مختلف علمی و در نتیجه، یافت مکتب فکری ایشان که از جمله مسائل مهم علمی به شمار می‌آید، پژوهش‌های مناسبی در خصوص استخراج مبانی رجالی برخی از دانشمندان صورت پذیرفته که برای نمونه می‌توان به «مبانی رجالی محدث نوری در اعتبارسنجی روایات» (راضیه مظفری و ریحانه عباسی) و نیز «واکاوی مبانی و رویکردهای رجالی آیه الله میرزا جواد تبریزی» (مصطفی قدیم‌آبادی و مهدی غلامعلی) اشاره کرد؛ لیکن طی بررسی‌های انجام شده روشن شد که در خصوص مبانی رجالی آقارضا همدانی در کتاب مصباح الفقیه و نیز عوامل و استدلال‌ات مطرح شده برای اثبات آن‌ها چنین پژوهش و مذاقه‌ای صورت نگرفته است. این پژوهش قصد دارد با محور قرار دادن عبارت رجالی ایشان در کتاب یادشده، به این مهم دست یابد.

۱. حاج آقا رضا همدانی نجفی (۱۲۵۰ق-۱۳۲۲ق) معروف به محقق همدانی از فقهای قرن سیزدهم است که از شاگردان خاص میرزای شیرازی در سامرا بود و پس از درگذشت وی، مرجعیت شیعیان را عهده‌دار شد. ایشان با برخی فتاوی خاص و ویژگی‌های اخلاقی زبانزد بودند و از او آثاری برجای مانده که بیشتر شرح، حواشی و تعلیقه بر آثار دیگران است. رساله عملیه وی ذخیره الأحكام فی مسائل الحلال و الحرام نام دارد.

۲. مفهوم شناسی مبانی رجالی محقق همدانی

مبانی، جمع مبنا به معنای بنیاد، اساس و پایه است (دهخدا، بی تا: ۱۷۷۵۹/۱۲). یکی از مهم ترین مقدمات برای یافتن روش فقهی دانشمندان، فهم مبانی فکری ایشان است که در این نگاه، مقصود از مبانی: اصول و ارکان فکری محقق همدانی در خصوص مؤلفه های مختلف علم رجال است که منهج ایشان در اعتبارسنجی اخبار مبتنی بر آن اصول شکل گرفته است؛ لذا در ادامه سعی شده به واکاوی و بررسی تصریحات و معتقدات رجالی ایشان پرداخته و نمونه هایی از آن ها تحلیل و بررسی شود.

۲-۱. تصریح به تقلید از محقق حلی در بررسی حجیت اخبار و عدم اعتنا به علم رجال

محقق همدانی در مقدمه مصباح الفقیه به تبیین شیوه خود در بررسی حجیت اخبار می پردازد و درباره منشأ مبناهای خود تصریح می کند: «نحن فی حجیة الأخبار مقلدون للمحقق الحلی فی قوله: ما قبله الأصحاب قبلناه وما ردوه ردناه؛ ما در حجیت اخبار، مقلد محقق حلی هستیم که می فرمود: آنچه که اصحاب آن را قبول کنند، ما هم آن را قبول می کنیم و آنچه که اصحاب آن را رد کنند، ما هم آن را رد می کنیم» (همدانی، ۱۴۲۳ق: مقدمه/۳۵). آقارضا همدانی در مصباح الفقیه پس از بحثی کامل ذیل یک روایت از امام رضا علیه السلام می آورد: «و این قول خوبی است اگر سند آن صحیح باشد؛ لکن در طریق آن عبد الواحد بن عبدوس و علی بن محمد القتیبی حضور دارند، در حالی که توثیقی برای این دو نفر ثبت نگردیده است» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۵۹/۹). سپس به نقل اعتراض منقولی در این خصوص می پردازد و می آورد: «بعضی به این قول اعتراض کرده اند که؛ آن دو از مشایخ اجازه هستند و عدم توثیق ایشان اشکالی در سند وارد نمی کند؛ چون اعتماد مشایخ متقدم بر نقل و اخذ اخبار از ایشان و شاگردی در محضر ایشان والاتر است، از جمله «فلان ثقة» در کتب رجالی» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۶۰/۹).

ایشان در واقع این اعتراض را می پذیرد و در ذیل آن، اعتقاد خویش را بیان می دارد و می آورد که: «به هر حال روایت مذکور به حسب ظاهر از روایات معتبره است و نمی توان بدون وجود معارض، آن را مردود دانست؛ چرا که ملاک و معیار در نزد ما در جواز عمل به روایت، اتصاف

آن به صحت مصطلحه نیست؛ چون اگر به دنبال این باشیم و بنا را بر مسامحه نگذاریم، نمی‌توانیم عدالت راوی را به دست بیاوریم» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۶۰/۹). از این رویکرد، مشخص می‌شود ایشان به آنچه در علم رجال به معنای عدم ثبت توثیق برای راویان از آن یاد می‌شود، اعتنایی ندارد.

۲-۲. معیار بودن وثاقت راوی یا وثاقت صدور با قرائن خارجی

محقق همدانی در خصوص معیار و ملاک عمل در خصوص حصول اطمینان از صحت خبر می‌گوید: «بل المدار علی وثاقت الراوی، أو الوثوق بصدور الروایة و إن کان بواسطة القرائن الخارجیة؛ ملاک و مدار و معیار مبنی بر وثاقت راوی و یا حصول اطمینان از صدور روایت از سوی امام معصوم علیه السلام است حتی اگر این اطمینان‌ها به واسطه قرائن و نشانه‌های خارج از سند باشد» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۶۰/۹). از این ابراز محقق همدانی به خوبی روشن می‌شود که ایشان برای اطمینان به صدور حدیث، صرفاً مراجعه و بررسی سند را کافی نمی‌داند و اطمینان صدور روایت از معصوم علیه السلام را نیز ملاک و معیار صحت روایت می‌داند، حتی اگر این اطمینان به واسطه قرائنی خارج از حدیث به دست آید. ایشان عمده قرائن خارجی معتبر در حصول اطمینان از وثاقت راوی و یا صدور روایت را وجود آن روایت در کتب اربعه و یا اخذ آن از اصول معتبره [در حالی که مصداق قاعده انجبار نیز باشد] می‌داند. وی در این باره تصریح می‌کند که: «التي عمدتها كونها مدونة في الكتب الأربعة، أو مأخوذة من الأصول المعتبرة مع اعتناء الأصحاب بها و عدم إعراضهم عنها» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۶۰/۹).

۳-۲. ترک بررسی احوال راویان اخبار و عدم توقّف اجتهاد بر علم رجال

وی درباره ترک بررسی راویان صراحتاً اعلام می‌دارد: «سیره من [در فقه] بر ترک بررسی حال رجال و اکتفا به توصیف روایت به صحت با موصوف بودن آن به صحت در لسان مشایخ متقدمان است» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۶۰/۹). ایشان در واقع معتقد است که: مشایخ متقدم قطعاً و یقیناً حال راویان روایت را مورد عنایت و فحص قرار داده‌اند و ما در عصر حاضر نباید روایتی را که ایشان بر روی آن مهر تأیید نهاده‌اند، بدون دلیل محکم مثلاً با صرف وجود یک راوی ضعیف در سند روایت کنار بگذاریم (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۶۰/۹). همچنین با بررسی

دیدگاه ایشان روشن می‌شود که اجتهاد را متوقف بر علم رجال نمی‌داند و با هم نظری با بسیاری دیگر از فقها مانند: صاحب جواهر، شیخ انصاری، علامه نراقی و ... اعتنای چندانی به علم رجال و مقدمه بودن آن برای اجتهاد ندارد. برای نمونه آخوند خراسانی در کفایة الأصول دارد که: «و پوشیده نیست که اجتهاد به شناخت علوم عربی (به اجمال) و شناخت تفسیر و علم اصول نیازمند است» (خراسانی، بی تا: ۴۶۸) و اساساً علم رجال را از مقدمات اجتهاد بر نمی‌شمارد؛ لذا بسیاری از فقها به مجرد این که روایتی در کتب اربعه نقل شده باشد یا مشهور منطبق بر آن فتوا داده باشند، آن را کافی می‌دانند. البته لازم به ذکر است برخی از فقها در مواردی که روایت در جایی خارج از کتب اربعه باشد، بررسی رجالی را لازم می‌دانند. برای نمونه، محمدجواد فاضل لنکرانی در مواردی که روایت در کتاب فقه الرضا^ع باشد، بررسی رجالی را تا حدودی ضروری می‌پندارد (درس خارج اجتهاد و تقلید، جلسه شماره ۲۶).

۴-۲. اعتقاد به جبران ضعف سند با عمل اصحاب و شهرت فتواییه

به اعتقاد آقازاده همدانی، روایاتی که در سند آنها ضعفی وجود دارد اگر مورد عمل اصحاب واقع شده باشد، ضعف سند جبران خواهد شد. وی در ذیل روایتی مربوط به غسل میّت این چنین می‌گوید: «و أمّا المناقشة فی الروایتین - بضعف السند بالإرسال فی الأولى، وعدم توثیق الکاهلی فی الثانية - فلا یلتفت إليها بعد کونهما من الروایات المقبولة عند جلّ الأصحاب بل کلّهم ولو فی الجملة؛ و أمّا مناقشه در دو روایت [مذکور] به این که سند آنها ضعف دارند به این نحو که در روایت اول، ارسال وجود دارد و در روایت دوم، کاهلی توثیق نشده است، توجهی به آن نمی‌شود؛ زیرا هر دو روایت از جمله روایاتی هستند که در نزد بزرگان اصحاب بلکه فی الجملة نزد همه آنها مورد قبول واقع شده‌اند» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۳۳۳/۵). همچنین در کتاب الصلوة ذیل بحث در موضوع قبله آورده است: «و أمّا ضعف سندها فمجبور بالعمل» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۳۸۱/۹). نیز در بحثی دیگر از باب «حکم عرق الجنب من الحرام» کتاب مصباح الفقیه بیان می‌دارد «و ضعف سند الروایات مجبور بما عرفت من شهرة الفتوی بمضمونها بین القدماء و نقل إجماعهم علیه؛ و ضعف سند این روایات به وسیله آنچه که از شهرت فتوایی به مضمون این روایات در میان متقدمان شناختی و نیز نقل اجماع بر آن،

جبران شده است» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۳۰۷/۷). در خصوص نیاز شهرت به اجماع علما نیز ایشان معتقد است که حتی اگر فتوایی که مضمون آن نزدیک به روایت مورد بررسی است دارای شهرت باشد، این شهرت، جابر ضعف سند خواهد بود که این از عبارت ایشان یعنی «شهره الفتوی بمضمونها» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۳۰۷/۷) روشن می‌گردد. نیز تأکید ایشان بر جابر بودن شهرت فتوایی [حتی اشتها به مضمون] به خودی خود و بدون نیاز به نقل اجماع است؛ چرا که در روایت یادشده، علیرغم این که پس از ذکر شهرت فتوایی، موضوع نقل اجماع بر آن را هم مطرح می‌کند، می‌آورد که: «بل الإنصاف أنه يحصل من مجرد اشتها مثل هذا الحكم بين القدماء؛ بلکه انصاف این است که اطمینان از مجرد شهرت این حکم بین قدماء حاصل می‌شود» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۳۰۷/۷) و این بدین معناست که: جبران ضعف سند از مجرد شهرت فتوایی بین متقدمان حاصل می‌شود و نیازی به مواردی همچون اجماع ندارد.

۵-۲. اعتقاد به وهن سند با اعراض مشهور و عدم جابریت اجماع به مضمون بعد از مخالفت مشهور

محقق همدانی معتقد است که: با اعراض مشهور از یک روایت نمی‌توان به آن عمل نمود و باید آن را طرح کرد؛ لذا در موضعی دیگر از مصباح الفقیه، در باب «کیفیه الصلاة علی سطح الکعبه» پس از ذکر روایتی در این خصوص می‌گوید: «إلا أن يناقش فيها بضعف السند و قصورها عن مرتبة الحجية خصوصاً مع إعراض المشهور عنها؛ مگر این که در این روایت این گونه اشکال وارد شود که ضعیف السند است و در مرتبت حجیت قرار ندارد به‌ویژه با رویگردانی اصحاب از آن» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۴۹/۱۰). در خصوص اهمیت و میزان اثرگذاری مخالفت مشهور نیز چنین بیان می‌دارد: «و آنچه از شیخ در نقل اجماع بر مضمون این روایت شنیده‌ای نمی‌تواند جابر ضعف سند باشد بعد از آن که با مخالفت مشهور در آن وهن ایجاد شده» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۴۹/۱۰). این بیان آقارضا همدانی به خوبی بیانگر دیدگاه ایشان در خصوص میزان اثرگذاری مخالفت مشهور است که وقتی مخالفت مشهور، کشف و فهم شود حتی اجماع به مضمون روایت هم نمی‌تواند جابر ضعف حاصل از مخالفت مشهور با آن روایت باشد.

۶-۲. اعتقاد به ردّ اخبار و متردّد بودن حکم در زمان اعراض مشهور و موافقت با فتوای فقهای اربعه

وی در خصوص مواردی که علاوه بر اعراض مشهور، فحوای حکم با فتوای فقهای اربعه (ابو حنیفه، مالک بن انس، شافعی و ابن حنبل) نیز موافق است، حکم به طرد روایت در عمل داده است. در باب «فیما قیل من أن ما بین طلوع الفجر إلى طلوع الحمرة وقت للمختار فی الصبح وما زاد علی ذلك حتی تطلع الشمس وقت للمعدور» از مصباح الفقیه آورده که: «و لکنّه مع ذلك لا یخلو عن إشکال؛ فإنّ الاعتماد علی مثل هذه الروایات فی رفع الید عن ظواهر الأخبار الكثيرة الظاهرة فی انتهاء الوقت علی الإطلاق - بعد إعراض المشهور عنها و موافقتها لفتوی جميع الفقهاء الأربعة علی ما قیل مع ما علم من أنّ أكثر الأخبار الواردة فی المواقیت مشوبة بالتقیة - فی غاية الإشکال؛ ولی در عین حال، خالی از اشکال نیست؛ چرا که اعتماد بر مثل این روایات در رفع ید از ظواهر اخباری که هم بسیار هستند و هم در انتهای وقت به صورت مطلق اظهار دارند بعد از اعراض مشهور از آن‌ها و نیز موافقت آن با فتوای فقهای اربعه در حالی که روشن است بیشتر اخبار وارده در مورد موقیت مشکوک به تقیه هستند، در غایت اشکال است» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۲۲۲/۹). ایشان در بیان حکم این صورت از روایت می‌فرماید: «فالحکم موقع تردّد و الأحوط هو الإتيان بهما؛ حکم [در این صورت] در جایگاه تردد قرار دارد و احتیاط این است که به هر دو روی مسئله اتیان شود» (همدانی، ۱۴۲۳ق: ۲۲۲/۹).

۷-۲. اعتقاد به عدم انتساب کتاب «فقه الرضاء»^۱ به امام رضا

یکی دیگر از مسائلی که محقق همدانی نسبت به آن اشکال وارد می‌کند، نسبت دادن کتاب

۱. فقه الرضاء کتابی منتسب به امام رضا است که در میان علمای قرن‌های اولیه، معروف نبوده و تا زمان مجلسی اول در قرن یازدهم، هیچ نشانی از این کتاب در تاریخ فقه شیعه وجود ندارد و هیچ یک از فقهای اولیه در کتاب‌های خود به آن اشاره نکرده‌اند. روایات این کتاب به صورت مرسل نقل شده، یعنی سلسله سند آن تا امام، کامل نیست و به همین دلیل بسیاری از فقها در استنباط احکام شرعی به آن استناد نکرده‌اند. این کتاب در ۱۱۹ باب تنظیم شده است و از باب «مواقیت الصلاة» آغاز و به باب «القضاء و المشیة و الإرادة» ختم شده است. در این کتاب مجموعه روایاتی در قالب فتاوا جمع‌آوری شده است. این کتاب از جمله کتاب‌هایی بوده که به دلیل این انتساب، در مراجع و مصادر مختلفی از آن بحث شده و نظریات مختلفی درباره آن ارائه شده است. برخی معتقدند که این کتاب یک اثر حدیثی است و برخی دیگر این کتاب را به عنوان یک کتاب فقهی - فتوایی معرفی کرده‌اند. موافقان انتساب این کتاب به امام و همچنین مخالفان آن هر یک دلایلی را اقامه کرده‌اند که در این بحث نمی‌گنجد.

فقه الرضاء یا همان الفقه الرضوی به امام رضا علیه السلام است. ایشان در این خصوص می‌گویند: «إِنَّ الرضا لَمَّا مَرَّ بَنيسابور و روى لهم حديث سلسلة الذهب كتبه عنه الألو ف من الناس فلو كان الفقه الرضوى من تأليفه لما خفى أمره و لم يطلع عليه إلا رجل واحد بعد وفاة الرضا علیه السلام بمئات السنين؛ على ابن موسى الرضا علیه السلام زمانى که از نیشابور عبور کرد و حدیث سلسله الذهب را برای اهل آن جا روایت فرمود، هزاران نفر از مردم این روایت را از ایشان مکتوب نمودند. پس اگر کتاب الفقه الرضوی از تألیفات خود حضرت رضا علیه السلام می‌بود آن را افراد متعددی نقل می‌کردند و فقط یک نفر از آن مطلع نمی‌شد، آن هم صدها سال بعد از وفات حضرت» (همدانی، ۱۴۲۳ق: مقدمه/۳۵).

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام شده در این مقاله، نتایج ذیل به دست آمد:

۱. آن دسته از افرادی که مبنای فکری ایشان این است که عمل فقها جبران‌کننده ضعف روایت است، چندان به علم رجال توجهی ندارند؛ ولی در مقابل، کسانی که مبنای مخالف دارند، یعنی مبنای ایشان این است که عمل اصحاب و عمل فقها، جبران‌کننده ضعف سند نیست، شدیداً به علم رجال نیازمند هستند.
۲. بررسی سیره عملی محقق همدانی در اعتبارسنجی اخبار همان‌طور که در کتاب مصباح الفقیه نیز صراحتاً و مفصلاً بدان اشاره کرده، بیانگر این است که وی یکی از پیوندگان مسلک وثاقت صدوری است و اعتنای چندانى به علم رجال و بررسی احوال راویان ندارد.
۳. ملاک و معیار ایشان در اعتبارسنجی اخبار، وثاقت راوی و یا حصول اطمینان از صدور روایت از سوی امام معصوم علیه السلام است، حتی اگر این اطمینان‌ها به واسطه قرائن و نشانه‌های خارج از سند باشد. ایشان به آن صححتی که در بین فقها مصطلح است توجهی ندارد و دلیل این عدم توجه را عدم دستیابی به وثاقت راوی در صورت عدم بنا نهادن بر مسامحه می‌داند.
۴. عمده مرجحات غیر سندی نزد ایشان دو مورد وجود روایت در کتب اربعه و اخذ روایت از اصول معتبره است که مورد دوم، مصداق قاعده انجبار است.
۵. سیره عملی ایشان ترک بررسی احوال راویان حدیث و اکتفا به موصوف بودن روایت به

صحت در لسان مشایخ متقدم است؛ چرا که ایشان معتقد است قطعاً مشایخ متقدم، بررسی‌های لازم در خصوص این افراد را انجام داده و سپس به ذکر روایت آن‌ها پرداخته‌اند.

۶. خاستگاه و منشأ مبنای ایشان همان‌طور که در کلامشان به صراحت نیز مشاهده می‌شود، قول محقق حلی است که می‌فرمود: «آنچه اصحاب آن را قبول کنند، قبول داریم و آنچه را که رد کرده‌اند، رد می‌کنیم».

۷. ایشان علیرغم این که شهرت را حجت نمی‌دانند، همواره سعی می‌کند با قول مشهور مخالفت نکند؛ وی معتقد است عواملی مانند: عمل اصحاب و شهرت فتوایی باعث جبران ضعف سند و عواملی مانند: اعراض اصحاب، باعث وهن سند می‌شود.

۸. در مورد جبران ضعف سند به وسیله شهرت فتوایی ایشان معتقد است که شهرت فتوایی حتی به مضمون روایت منفرداً جابر ضعف سند روایت است و نیازی به اجماع یا دیگر موارد مشابه آن ندارد.

۹. به اعتقاد محقق همدانی، مخالفت مشهور با روایت، فصل الخطاب ترک روایت تلقی می‌شود و حتی اگر پس از یقین بر مخالفت مشهور با روایت، نقل اجماعی بر عمل به مضمون همان روایت به دست آید، اعتباری نخواهد داشت.

۱۰. حکم فقهی ایشان در مواردی که یک روایت مورد اعراض مشهور و در عین حال مورد فتوای فقهای اربعه است، حکم به احتیاط است؛ زیرا آن را موقع تردد می‌دانند.

۱۱. ایشان نسبت تألیف کتاب فقه الرضای^۱ یا همان الفقه الرضوی به امام رضا^ع را مردود می‌دانند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم (ترجمه: الهی قمشه‌ای).

۱. پایگاه اطلاع رسانی آیه الله محمدجواد فاضل لنکرانی (fazellankarani.com/persian/lessons)
۲. حلی، شیخ نجم‌الدین جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید هذلی، (۱۴۰۹ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق: سید صادق حسینی، تهران: بی‌نا، دوم.
۳. خراسانی، شیخ محمدکاظم، (بی‌تا)، کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.

۴. دهخدا، علی اکبر، (بی تا)، لغتنامه، تهران: روزنه.
۵. رحمان ستایش، محمّد کاظم، (۱۳۹۶)، قواعد توثیق راویان، قم: انتشارات دارالحدیث.
۶. غلامعلی، مهدی، (۱۳۹۸ش)، قواعد رجالی، قم: انتشارات دارالحدیث.
۷. کنی، ملاعلی، (۱۴۲۱ق)، توضیح المقال فی علم الرجال، تحقیق: محمدحسین مولوی، قم: انتشارات دارالحدیث.
۸. همدانی، آقارضا، (۱۴۲۳ق)، مصباح الفقیه، تحقیق: المؤسسة الجعفریة لإحياء التراث، قم: بی نا.